



ازدواج پایدار و خانواده ماندگار از نگاه دکتر غلامعلی افروز

هستی بر بنیاد عروس و دامادی خلق شده است

■ طاهره فرح خدا

خداوند متعال ازدواج را برای آرامش انسان در تکاپوی حیات و همگام شدن با همسری همدل و همزاری همراه، برای پیمودن طریق مستقیم و صراط جلودان قرار داد. از همین رو هدف غایی ازدواج رسیدن به آرامش روان، اعتلای وجود و نیل به فلاح است و دعوت به فلاح، هدف و انگیزه بعثت انبیای الهی و غایت تربیت و شکوفایی وجود انسان می‌باشد. به دیگر سخن، فلسفه خلقت و زوج آفرینی، انگیزه بعثت و غایت تربیت انسان و نیز با هدف ازدواج، همسو و هم جهت هستند. در این نگرش، ازدواج با نیت و انگیزه رسیدن

ازدواج، قدردانی از خالق زوج آفرین است

ازدواج زیباترین و گیراترین گِلوازه هستی، آغاز لطیف‌ترین و گرمابخش‌ترین رابطه‌ها و به فعلیت رساندن همه استعدادها، قابلیت‌ها و بهره‌مندی از عالی‌ترین تکریم‌هاست. با یک تأمل و تفکر حکیمانه در می‌یابیم که خداوند مخلوقات را در کسوت زوجیت صورت‌گیری کرده است. پروردگار مهربان در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم می‌فرماید: «و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته‌و با هم انس گیرد و میان شما آفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم بافتگر ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است.» پس هر کسی دومنبع آرامش دارد: اول اینکه دل با یاد خدا آرام می‌گیرد. دوم به آرامش رسیدن در کنار همسر و همسر تا بهشت.

خالق هستی، آن خالق زوج‌آفرین، برای هر پسری، دختر و برای هر دختری، پسری می‌آفریند، به طوری که همه نوزادان را با قابلیت‌های فطری عروس و داماد شدن خلق می‌کند و در حقیقت ازدواج طبیعی‌ترین و پرمعناترین آرمان حیات آدمی و مطلوب‌ترین بستر رشد، شکوفایی و دل‌آرامی است، پس با ازدواج از خالق زوج‌آفرین قدردانی می‌کنیم.

نظام خلقت الهی، بر زوجیت همه پدیده‌ها و ازدواج‌پهنگام همه پسرها و دخترها استوار است، یعنی خالق مهربان، همه هستی را بر مبنای عروس و داماد ایجاد می‌کند، عروس و داماد شدن فلسفه خلقت است و حتی در جهان گیاهان و حیوانات نیز این توازن زیبا به نسبت ۵۰ به ۵۰ برقرار است، در عالم انسان‌ها نیز همه تطفه‌ها همزمان دختر و پسر هستند.

همه جامعه به خصوص دخترهای مدرسه‌ای و دبیرستانی باید به این مهم بیندیشند و بدانند که اگر در خانواده‌ای سه پسر به دنیا آمده است، در خانواده‌ای دیگر سه دختر وجود دارد و این توازن هستی است.

همانگونه که بخشی از بازی‌ها و نقاشی‌های آزاد کودکان، مستقیم و غیرمستقیم با مضامین و مفاهیمی همچون ازدواج، عروس و داماد، زن و شوهر، بابا و ماما، خانه و خانواده قابل تعبیر و تفسیر است، بدون تردید بخش درخور توجهی از اندیشه و آمال و رؤیاهای صادقانه نوجوانان و جوانان نیز در قلمرو انتخاب همسر آینده، ازدواج و عروسی و قابلیت‌های همسری معنا می‌یابد.

پاسخ به یک نیاز فطری و اجتماعی در چار چوب نوامیس هستی

ازدواج یک نیاز فطری و ضرورت اجتماعی است. اگر انسان به نیاز فطری خودش به موقع جواب ندهد و عمداً ازدواج نکند، در سنین بالا بافسرده‌گی و اختلال پارانوئیدی مواجه خواهد شد. اما افرادی که سنشان بالای‌می‌رود و دوست

دارند ازدواج کنند و یک همسر مطلوب و شریک زندگی برایشان پیدا نشده، باز همان علاقه، حس، میل و رغبت برای ازدواج در انسان انگیزه و حیات‌روانی ایجاد می‌کند و مشکلی پیش نمی‌آید. پس ازدواج یک نیاز فطری است و همه انسان‌ها نیاز به ازدواج دارند، آن هم ازدواج طبیعی و معمول و در چار چوب نوامیس هستی.

به این ترتیب همه به‌ ازدواج معمولی نیاز دارند و این موضوع در عین حال یک نیاز اجتماعی است، چراکه لازمه رشد مطلوب جمعیت در جهان وجود فرزندان سالم، پویا، صالح و تواناست. در واقع جمعیت سالم، صالح، پویا و خلاق در جهان یک نعمت است و منبع قدرت برای هر کشوری محسوب می‌شود.

پس اگر بخواهیم رشد جمعیتی خوبی داشته باشیم باید از طریق ازدواج ماندگار باشد، یعنی در سایه رغبتی که پدر و مادر به پجهدار شدن دارند، صاحب فرزند شوند. یکی از مباحث مهم در کشور این است که همه با نگاه ضرورت اجتماعی به ازدواج بیندیشیم و حمایت کنیم تا در کشور ازدواج ماندگار و پایدار داشته باشیم.

رسیدن به آرامش، مهم‌ترین هدف ازدواج است

مطلوب‌ترین معیارهای کفویت در زوجیت آنهایی هستند که یک ازدواج موفق و پایدار را با قابلیت آرامشگری متقابل زوجین پی‌ریزی می‌نمایند. این اصول و معیارها را می‌توان به شیوه‌های مختلف از احساس و بیان همسران برتر و دل‌آرام، پرورده‌و آرامشگر در گستره گیتی به راحتی دریافت؛ چراکه ریشه اصلی احساس آرامش و تجربه خوشبختی در بین زوج‌های دل‌آرام، همدلی و جاذبه‌های فراینده روانی و نفسانی است. بنابراین از آنجایی که هدف اصلی و غایی ازدواج در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و مبانی روانشناختی همسری، نیل به «آرامش» است و مسائلی همچون از تنهایی در آمدن، تشکیل خانواده مستقل، ارضای غرایز طبیعی و فرزندآوری، از نتایج قهری ازدواج است و نه هدف اصلی آن، می‌بایست معیارهای انتخاب همسر به گونه‌ای باشد که ما را به هدف غایی ازدواج که همانا استقرار در ساحل آرامش است، نایل گرداند.

«آرامش درون» گرانتقدترین موهبت الهی است و سعادت و خوشبختی واقعی در گرو برخورداری از این موهبت عرشی است. از جمله دعا‌هایی که خانواده‌و نزدیکان در حق عروس خاتم و آقای داماد می‌کنند، آرزوی خوشبختی است. «ا الهی خوشبخت بشی»، «ما خوشبختی تو را می‌خواهیم»، «ان‌شاءالله که خانه بخت تضمین‌گر خوشبختی شما باشد»، «امیدوارم همیشه دلشاد و خوشبخت باشید» و جملات و گل‌واژه‌هایی از این قبیل.

همه می‌دانند که خوشبختی واقعی فقط و فقط در سایه احساس آرامش درون پدیدار می‌شود و پس، هرگز فرزون‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها، تکیه‌زدن بر صندلی قدرت و در دست داشتن کلید خزانه طلا، سوار شدن بر اسب سرکش نفس و پیروی از خواهش‌های دل، تأثیر‌پذیری از خواسته‌های هیجانی و معیارهای نفسانی، نمی‌تواند تضمین‌گر سعادت و خوشبختی جاودانه باشد. با توجه به اینکه هدف از ازدواج، رسیدن به آرامش است و بهترین زوج و مطلوب‌ترین همسر، کسی می‌تواند باشد که وجود و حضورش بیش از همه آرامشگر جان باشد، از این رو در معیارهای انتخاب همسر باید این مهم به عنوان شاخص اصلی مد نظر قرار گیرد.

همدلی و ابراز محبت متقابل

یکی از مهم‌ترین معیارهای همسانی و کفویت در ازدواج، احراز و پاسداشتت قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌های متقابل در معنا بخشیدن به گل‌واژه «محبت»، «مودت»، «رحمت» و «دلدادگی» توسط داوطلبان ازدواج است. محبت فقط یک احساس محض یا کلام تنها نیست. محبت صرفاً یک واکنش احساسی و هیجانی نیست. محبت، تنها در تقدیم یک هدیه، گفتن یک جمله زیبا و نگاه‌ی پرمعنا خلاصه نمی‌شود.

همه اینها می‌تواند نشانه‌هایی از رفتار محبت‌آمیز باشد، اما محبت یک مرام تربیتی و شیوه زندگی است، محبت متعالی‌ترین رفتارهاست، محبت زیباترین جلوه ایمان و باشکوه‌ترین رفتار مذهبی و پاسخی به گرانقدرترین نیاز

فطری انسان است و در یک کلام، محبت آمیزه‌ای از گذشت و ایثار، شجاعت و صداقت، حق‌شناسی و عدالت، همدلی و احسان است. از دیگر معانی و مفاهیم گل‌واژه محبت، صبوری است. به فرموده پیامبر بزرگوار صلی‌الله علیه و آله، «صبر، گنجی از گنج‌های بهشت است». رفتار صبورانه از زیباترین منش‌ها و رفتارهای همسران با محبت است و هر یک از جلوه‌های مختلف صبر و انصاف بدن صفات از عمیق‌ترین گرمای محبت و رفتار محبت‌آمیز انسان خداپاوار در برابر محبوب است، بنابراین همسران صبور، همسران با محبتند و رفتار محبت‌آمیز بدون صبر‌پیشگی نمی‌توانند معنا و مفهوم چندانی داشته باشد.

زنان و مردانی مؤمن و پاک

کفویت در ایمان و مؤمن بودن داوطلبان ازدواج نیز بسیار مهم و در این است که دو نفر وجودشان منبع آرامش باشد و با وارستگی و شکوفایی وجود، از هر نوع ناآرامی، ناامنی، تردید و تشمت آزاد باشد.

از این رو توجه به کفویت در ایمان و آرامش دل به یک معنا، ارزشی دوچندان برای هدف مقدس ازدواج قائل شدن است که همانا به فرموده خالق مهربان، هدف از ازدواج رسیدن به آرامش وجود است و خداوند منان آرامش و سکینه خاطر را غایی ازدواج که همانا استقرار در ساحل آرامش است، نایل گرداند.

«آرامش درون» گرانتقدترین موهبت الهی است و سعادت و خوشبختی واقعی در گرو برخورداری از این موهبت عرشی است. از جمله دعا‌هایی که خانواده‌و نزدیکان در حق عروس خاتم و آقای داماد می‌کنند، آرزوی خوشبختی است. «ا الهی خوشبخت بشی»، «ما خوشبختی تو را می‌خواهیم»، «ان‌شاءالله که خانه بخت تضمین‌گر خوشبختی شما باشد»، «امیدوارم همیشه دلشاد و خوشبخت باشید» و جملات و گل‌واژه‌هایی از این قبیل.

همه می‌دانند که خوشبختی واقعی فقط و فقط در سایه احساس آرامش درون پدیدار می‌شود و پس، هرگز فرزون‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها، تکیه‌زدن بر صندلی قدرت و در دست داشتن کلید خزانه طلا، سوار شدن بر اسب سرکش نفس و پیروی از خواهش‌های دل، تأثیر‌پذیری از خواسته‌های هیجانی و معیارهای نفسانی، نمی‌تواند تضمین‌گر سعادت و خوشبختی جاودانه باشد. با توجه به اینکه هدف از ازدواج، رسیدن به آرامش است و بهترین زوج و مطلوب‌ترین همسر، کسی می‌تواند باشد که وجود و حضورش بیش از همه آرامشگر جان باشد، از این رو در معیارهای انتخاب همسر باید این مهم به عنوان شاخص اصلی مد نظر قرار گیرد.

همسانی در قابلیت‌نوش‌پوشی متقابل روانی

از جمله معیارهای انتخاب همسر مطلوب درک حقیقت رابطه بی‌پدیل همسری و ابراز اشتیاق و انگیزه لازم برای احراز شایستگی و قابلیت‌آراستگی به لباس همسری و همپوشی و پاسداری از حرمت و حریم همسری در شرایط و موقعیت‌های گوناگون زندگی مشترک است. واقع امر این است که همه اندیشه‌ها، نظریات و تحقیقاتی که تا کنون در قلمرو روانشناسی خانواده و روابط مطلوب میان زن و مرد در کشورهای مختلف مطرح شده بیابانگر این حقیقت است که موفق‌ترین و خوشبخت‌ترین همسران آثانی هستند که از آغاز زندگی مشترک رابطه‌ای صمیمی با هم داشته‌اند و هر قدر که از زمان بسته شدن پیمان ازدواج آنها می‌گذرد و هر سالی که از زندگی زناشویی‌شان سپری می‌شود، رابطه آنان گرم‌تر، صمیمی‌تر و نشاط‌انگیزتر و زندگی‌شان پر بارتر می‌شود، به گونه‌ای که گذشت زمان، فرزندآوری، کپهولت، حوادث و تحولات اقتصادی و اجتماعی هیچ گونه خدشه‌ای بر همدلی و صمیمیت آنان وارد نمی‌کنند.

به تعبیر قرآنی همسران برتر آن‌اندند که در زیباترین، آراسته‌ترین، فاخرترین و مقاوم‌ترین لباس پوشش فطری و روانی حمایتی یکدیگر باشند.

زوج‌های دل‌آرام و همسران برتر، آن‌اندند که در کنار هم آرامش می‌یابند و آرام می‌گیرند و در پیمودن طریق فلاح و رستگاری، سرمایه و توشه راه مشترکشان «محبت» است، همان لباسی که به تمامی نیازهای فطری، کشش‌های غریزی، احساس مهرطلبی، تعلق عاطفی و تشویق‌پذیری آنها پاسخ گفته، آنان را در برابر همه محرک‌های ناخوشایند زندگی و آسیب‌های روانی و اجتماعی ایمن می‌سازد. ازدواج زوج‌های جوانی که با درک عمیق قداست، فلسفه و هدف والای ازدواج، رسالت خطیر

سبک زندگی

سبک زندگی ۱۶۷۹۸۴۹۸



عنبر اسلواکی | باشگاه خبرنگاران



از آنجایی که هدف اصلی و غایی ازدواج در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و مبانی روانشناختی همسری، نیل به «آرامش» است و مسائلی همچون از تنهایی در آمدن، تشکیل خانواده مستقل، ارضای غرایز طبیعی و فرزندآوری، از نتایج قهری ازدواج است و نه هدف اصلی آن، باید معیارهای انتخاب همسر به گونه‌ای باشد که ما را به هدف غایی ازدواج که همانا استقرار در ساحل آرامش است، نایل گرداند

دانشگاه و تألیف صدها کتاب و مقاله به زبان فارسی و انگلیسی و انتشار یا ارائه آنها در داخل و خارج از کشور، سخنرانی‌های متعدد کاربردی و آموزشی برای خانواده‌ها و به ویژه والدین داشته و همچنان این مسیر را ادامه می‌دهد. اخیراً نیز کارگاهی آموزشی با حضور دکتر افروز با موضوع «ازدواج پایدار و خانواده ماندگار» در سالن اجتماعات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به همت مرکز مقاومت بسیج این سازمان برای کارکنان برگزار شد.

آنچه در صفحه امروز سبک زندگی می‌خوانید فصل‌هایی از این نشست کارگاهی است.

همسری و منزلت نیکوی همسر بودن، جامه سعادت و خوشبختی را به جسم و جان خود می‌پوشانند و قامت همسر خویش را نیز به این زینت می‌آریند.

لباس همسر بودن یعنی...

گرما بخشیدن: همچنان که لباس آدمی به گرمی می‌بخشد، همسران نیز گرمابخش دل‌های یکدیگرند و از حرارت این گرمای مطبوع، دل‌ها آرام، جان‌ها راحت، قلب‌ها پرتر، بارقه‌های امید روشن، ستاره‌های بخت در خُشان، انگیزه‌های تلاش مضاعف و غنچه‌های حیات و گل‌های وجود کودکان و نوباوگان شکوفای می‌شود. زودتن سردی‌ها: لباس، سردی‌ها را می‌زداید و همسران برتر و گرمابخش نیز به دور از گرمای وجود، بارخانه هر سردی بر بروز هر گونه بی‌تفاوتی و سرد مزاجی و مداخله وسوسه‌های شیطنی مقابله می‌کنند.

پوشاندن عیب‌ها و پنهان داشتن کاستی‌ها: لباس عیوب و کاستی‌های آدمی را می‌پوشاند و او را از چشم عیب‌جویان و نقالان مجالس لغو دور نگه می‌دارد و همسران برتر، این همراهان صمیمی و فهیم و محرمان راز نیز با لباس محبتی که بر قامت جسم و جان هم می‌پوشانند، همه کاستی‌های رفتار، ضعف‌های احتمالی اخلاقی و لغزش‌ها و خطاهای یکدیگر را از دید دیگران، خویشان و نزدیکان و حتی نزدیک‌ترین خود مستور می‌دارند.

مردم‌راز بودن: لباس پوشاندن عیب‌ها، پنهانگر کاستی‌ها، صندوق راز و رمزهای همسران آرامشگر است. مصون داشتن از آفت‌ها و آلودگی‌ها: لباس انسان راز آفت‌ها و آلودگی‌های معصوم می‌دارد. همسران هوشیار و بیدار دل، حساس و مسئولیت‌پذیر نیز با رفتار صمیمی و محبت‌آمیز، منشی توام با عطفوت و خوشرویی، تلاش مستمر در جهت حسن تأمین و ارضای مطلوب نیازهای روانی، کشش‌های فطری و تمایلات نفسانی همراه و شریک زندگی خود، همدیگر را از محرک‌های آسیب‌زای روانی، وسوسه‌های ویرانگر شیطنی، جاذبه‌های رفتاری و کلامی نامحرم‌مان محافظت می‌کنند.

آرام جان بودن: لباس به انسان پرهنه و عریان آرامش می‌بخشد. به بیان دیگر، انسان بی‌تن پوش و جامه، بسیار نگران و مضطرب و پریشان است. همسران رفیق و شفیق نیز لباس گرم و آرامش‌بخش یکدیگرند. تنوع‌بخشیدن به زندگی: لباس به نمای ظاهری فرد تنوع می‌بخشد و سبب آراستگی ظاهری انسان در محیط اجتماعی می‌شود. به بیان دیگر، لباس علاوه بر پوشاندن عیوب، گرمابخشی، مقابله با آلودگی‌ها و آرامش‌دهی به روان، نقش ایجاد تنوع در زندگی فردی و اجتماعی انسان را نیز عهده‌دار است.

متناسب بودن و تجلی نماد کفویت: لباس همواره باید متناسب با قامت و اندام آدمی باشد. هر کس که لباسی می‌خرد یا پوشد: لباس را به خیاط همیشگی وجود انسان می‌خواهان آن است که لباسش نه گشاد باشد و نه تنگ، نه کوچک باشد و نه بزرگ، بلکه لباسی باشد متناسب و به اندازه قامت او، لباسی راحت و برزنده، محکم و بادوام، موقر و قابل تأیید و تحسین، چراکه لباس نشانه‌ای از شخصیت و بینش فکری انسان و بیابانگر مشی و منش زندگی فردی و اجتماعی اوست.

لباس نزدیک‌ترین همراه و همراه است: لباس نزدیک‌ترین همرا، پیوسته‌ترین جزء و سایه‌بان همیشگی وجود انسان است. گویی انسان و لباس او حقیقت واحدی را تشکیل می‌دهند. همسران برتر نیز به‌همگان افضل و نزدیک‌ترین یاران یکدیگرند و لباس وحدت اندیشه و آرمان همدیگر به شمار می‌آیند.

هر جوانی که بلوغ جنسی را پشت سر

گذاشته و از رشد مطلوب جسمانی پرخوردار و از هوشمندی و کفایت‌های عقلانی و تعادل عاطفی بهره‌مند باشد و تعهد، قدرت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و قابلیت همسری و آرامش‌بخشی را احراز کند، می‌تواند در اندیشه زوجیت باشد. آماجگی بلکه سنن زیستی و روانی هم مهم است.

عقد نیز سرمایه معنوی لازم است تا به آرامش برسند. البته پول و شغل هم برای تأسیس خانواده و تأمین نیازهای زندگی مشترک لازم است که می‌تواند بعد از انتخاب، یک سال، دو سال یا بیشتر زمان در نظر گرفت تا دختر و پسر نسبت به تشکیل زندگی مشترک اقدام نمایند.

اگرچه دبیرستانی‌ها و دانشجویان باید دنبال همسر باشند و عملاً هم هستند اما باید به دستشان ذره‌بین تشخیص بدهیم و با رویکرد فرزندپروری بچه‌ها را مطابق قابلیت فطری‌شان که خدا آنها را عروس و داماد آفریده عروس و داماد تربیت کنیم. مهم‌ترین شیوه تربیتی شیوه غیرمستقیم و مشاهده‌ای است یعنی به مادر باید پدر و مادر را مشاهده کنند و پدر و مادر باید مربی عروس و دامادپروری باشند.

بنابراین با توجه به متغیرها و مؤلفه‌های گوناگون در ارتباط با مسئله سن، نمی‌توان عدد مشخصی را به عنوان سن مطلوب ازدواج تعیین کرد. برخی این شرایط را در حدود ۱۸ تا ۲۰ سالگی می‌یابند، بعضی کمی زودتر و جمعی نیز تا حدود ۲۵ سالگی یا بالاتر نمی‌توانند شایستگی لازم، بلوغ فکری و تعهد مسئولیت‌پذیری اجتماعی را احراز نمایند. در نتیجه، بیان این نکته و اظهار این باور و بازخورد عمومی که حتماً باید دختر خانم چند سال کوچک‌تر از آقایسر باشد، نمی‌تواند دارای مبنای علمی، منطقی، عقلانی و باطالع حجت شرعی باشد.

نگاه

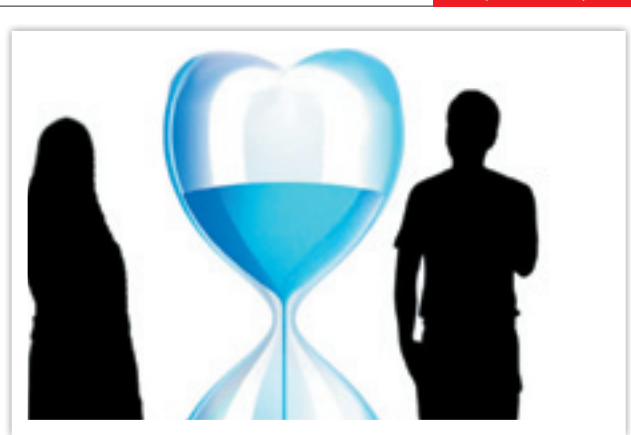
حکمت توازن در خلقت دختر و پسر

نیمی از مخلوقات همسر نیمی دیگر می شوند

و حکیم رقم می‌زند.

به سخن دیگر خداوند متعال تعیین جنسیت همه مولید و نوزادان انسان را بر وفق حکمت و تقدیر خود استوار نموده است و به همین دلیل بر اساس گزارش‌های مختلف آمار کشوری، از سال‌های دور تاکنون، به رغم بسیاری از تدابیر و تلاش‌های جمعی از خانواده‌ها و زن‌ها و شوهرها در فرهنگ‌های گوناگون برای دختران‌داری یا پسر دار شدن، در مجموع حدود نیمی از همه مولید جوامع در شرق و غرب جهان دختر و نیمی دیگر پسر بوده است. اگر بشر در تعیین جنسیت می‌توانست تأثیر‌گذار باشد بشریت را ویران می‌کرد، که مصداق بارز سوره مبارکه تکویر آیه ۹ می‌باشد: «که به کدامین گناه کشته شدند؟»

مطابق آمار رسمی ثبت احوال تعداد پسر‌ها بیشتر از تعداد دختر‌ها در کشور و آمار ورودی دانش‌آموزان پسر در مقطع تحصیلی اول ابتدایی تا ۴۵ درصد بیشتر از دختران است، به طوری‌که در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ ساله در برابر هر هزار دختر ۱۰۲۴ پسر آمارگیری شده است، پس تعداد پسر‌ها در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۲۴ درصد بیشتر از دخترهاست و نهایتاً درحالی‌که تعداد پسران از دختران بیشتر است لکن آمادگی ازدواج در پسر‌ها کمتر می‌باشد که به دلیل احساس ناامنی است. اگر یک دختر در دبیرستانی این باور را داشته باشد که تعداد پسر‌ها بیشتر از دختر‌ها است، تحمل می‌کند تا پسری مناسب برای ازدواج پیدا کند و خیلی زود به ازدواج نامناسب تن در نمی‌دهد.



انواع سن و تفاوت‌های سنی در ازدواج

آیا برای ازدواج به سن حقیقی رسیده‌ایم؟

به طور کلی شایسته و بایسته است توجه داشته باشیم که «سن حقیقی» انسان، برآیندی است از سه مؤلفه اصلی یعنی: ۱- سن شانسنامه‌ای، ۲- سن زیستی یا بیولوژیکی و ۳- سن روانی و عقلانی.

مفهوم اصلی سن زیستی یا بیولوژیکی این است که همه انسان‌ها و افراد همسن و سال که در یک روز به دنیا می‌آیند، با توجه به عوامل ارثی، نقل و انتقالات و ساختار ژنتیکی، رشد و تحول زیستی انسان، به خصوص در دوران جنینی یا حیات قبل از تولد، چگونگی تولد و مراحل اولیه رشد با هم متفاوت می‌باشند.

برای مثال، در یک خانواده که دارای پنج فرزند دختر و پسر می‌باشد، سن زیستی فرزند اول خانواده جوان‌تر از سن زیستی فرزند پنجم است، با توجه به اینکه فرزند اول از تخمک جوان‌تر و فرزند پنجم از تخمک مسن‌تر به دنیا آمده است، اگر آسیبی در خانواده وجود داشته باشد فرزند پنجم باید احتیاط بیشتری داشته باشد.

همچنین فرد جوانی را می‌بینیم که در سن ۲۵ سالگی اکثر موهای سرش سفید شده یا شکستگی پوست وی حکایتگر آن است که سن زیستی او به مراتب بیش از ۲۵ سال می‌باشد. در مقابل، شخص دیگری را مشاهده می‌کنیم که در سن ۵۰ سالگی حتی یک تار موی سفید نشده است. موی سر، سلامت دندان‌ها و پوست بدنش سن زیستی او را به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از سن شانسنامه‌اش معرفی می‌نماید و همه کسانی که برای نخستین بار این شخص را با سن شانسنامه‌ای ۵۰ ساله ملاقات می‌کنند، عمدتاً حاکم‌تر سن او را ۳۰ سال ارزیابی می‌کنند.

سن روانی، عقلانی و سرزندگی حیاتی و نشاط معنوی نیز متفاوت است. گستره انرژی حیاتی، میزان پویایی و سرزندگی افراد مختلف در سنین مشابه با هم تفاوت دارد. به طور کلی نشاط، سرزندگی، پویایی فکر، بلوغ عقلانی و قابلیت مطلوب همسری، قدرت ابراز احساسات، نگرش‌ها و انگیزه‌های تلاش به امیدآفرینی و امیدبخشی، توانمندی‌ها و مهارت‌های کلامی، هوش هیجانی و ارتباطات اجتماعی میزان انرژی حیاتی و سن روانی و بلوغ عقلانی افراد را به نمایش می‌گذارد.